

### Social Pathology of the Tendency to be a Tyrant from the Perspective of the Qur'an

Received: 27/08/2022

Accepted: 23/01/2023

Abbas Sharifi<sup>—</sup>Reza Saadatnia<sup>—</sup>Sayed Hossein Vaezi<sup>—</sup>

(66-92)

One of the basic requirements of reaching the ideal society of the Quran is the objective realization of velayat-madiari (orbital province) in the social arena and avoiding the province of taghut) tyranny. This research with the title of social pathology of tendency to tyranny from the perspective of the Quran based on the crisis analysis method of Thomas Spriggans, while examining and comprehensively understanding the concept of tyranny, rooting the underlying factors, ways out of it and drawing the society It is desirable from the perspective of the Qur'an. The results of this research show that the prohibition of the tendency to tyranny includes all aspects of it, including the plan of friendship with the infidels, taking sides, winning arbitration and agreeing with them. According to the Qur'anic approach, the tendency of the religious community to tyrants is rooted in religious-moral factors such as ignorance of some divine affairs, fear of tyrants, suspicion of God's guardian, weakness of faith, compatibility and spiritual culture with tyrants, and also rooted in political factors. Social like the lack of insight in knowing the enemy, the influence of worldly attraction and deception of unbelievers in the souls of believers, the tyrant's malicious propaganda against the Right Front. One of the ways out of this harm is to strengthen the vision towards divine affairs, to know the truth of God's guardian and the tyranny, and the worldly and hereafter consequences of leaning towards it, and in the practical field to patience and piety, trust in God, Movement based on God's will and... pointed out. Also, preserving dignity and all-round independence for the community of faith in order to achieve a virtuous life is the desired and ideal society intended by the Qur'an.

**Keywords:** Social Pathology, Wilayat Allah, Wilayat Taghut, Thomas Spriggans, Ideal Society.

— . Ph.D. student in the field of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran, Sharifi.abbas22@gmail.com

— . Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences (Daulat Abad), Isfahan, Iran, (corresponding author) saadatnia@quran.ac.ir.

— . Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Law and Humanities, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran, Vaezi1340@gmail.com.



سال دهم / شماره بیستونهم / بهار و تابستان ۱۴۰۱

## آسیب‌شناسی اجتماعی گرایش به طاغوت از دیدگاه قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

عباس شریفی<sup>-</sup>

رضا سعادت‌نیا<sup>-</sup>

سیدحسین واعظی<sup>-</sup>

(۶۶-۹۲)

### چکیده

از الزامات اساسی دسترسی به جامعه آرمانی قرآن، تحقق عینی ولایت‌مداری در عرصه اجتماعی و اجتناب از ولایت طاغوت است. این پژوهش با عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی گرایش به طاغوت از دیدگاه قرآن» براساس روش تحلیل بحران توماس اسپریگنز، ضمن بررسی و درک جامع از مفهوم طاغوت، به ریشه‌یابی عوامل زمینه‌ساز، راه‌های برون‌رفت از آن و ترسیم جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد منع گرایش به طاغوت همه ابعاد آن، اعم از طرح دوستی با کفار، هم‌رازگرفتن، بردن داوری و هم‌صدایی با آنان را شامل می‌شود. در رهیافت قرآنی، گرایش جامعه ایمانی به طاغوت ریشه در عوامل اعتقادی اخلاقی، مانند: جهل نسبت به برخی شئون الهی، ترس از طاغوت، سوءظن به ولی‌خدا، ضعف ایمان، تناسب و سنخیت روحی با طاغوت؛ و همچنین ریشه در عوامل سیاسی-اجتماعی، مانند: بی‌بصیرتی در دشمن‌شناسی، تأثیر جواذب دنیایی و فریبده کافران در نفوس مؤمنان، و تبلیغات سوء طاغوت علیه جبهه حق دارد. از راه‌های برون‌رفت از این

— . دانشجوی دکتری رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان

(خوراسگان)، اصفهان، ایران، Sharifi.abbas22@gmail.com.

— . استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی اصفهان (دولت‌آباد) اصفهان، ایران

(نویسنده مسئول) saadatnia@quran.ac.ir.

— . دانشیار گروه الهیات دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)،

اصفهان، ایران Vaezi1340@gmail.com.

آسیب می‌توان در حوزه بینشی به تقویت بینش نسبت به شئون الهی، شناخت حقیقت ولی خدا و طاغوت و تبعات و پیامدهای دنیوی و اخروی گرایش به آن و در حوزه عملی به صبر و تقوا، توکل به خدا، و حرکت براساس رضای الهی اشاره کرد. همچنین، حفظ عزت و استقلال همه‌جانبه برای جامعه ایمانی برای نیل به حیات طیبه، جامعه مطلوب و آرمانی مدنظر قرآن است.

**واژگان کلیدی:** آسیب‌شناسی اجتماعی، ولایت الله، ولایت طاغوت، توماس اسپریگنز، جامعه آرمانی.

### ۱. طرح مسئله

در فرهنگ قرآنی، رکن اساسی ایمان پذیرش ولایت الهی است؛ زیرا توحید و عبودیت در قبول ولایت او آشکار می‌شود (بقره: ۲۵۷). ولایت الهی به ولایت پیامبر ﷺ و اولوالامر ﷺ پیوند زده شده و تحقق ولایت خدا در اطاعت از پیامبر و اولوالامر است (نساء: ۵۹). همچنین، لازمه قرارگرفتن در ولایت خدا بیزاری جستن از ولایت طاغوت به‌عنوان دشمن اصلی ولایت حق است (مدرسی، ۱۴۱۹، ۱۲: ۲۹۵). خداوند در آیه ۲۵۶ بقره با مقدم کردن «يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» بر «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» به این حقیقت اشاره کرده که مقدمه ایمان به خداوند متعال و استمساک به عروه الوثقی کفر به طاغوت است و تازمانی که دل از اوهام کفرآمیز و سلطه طاغوت پاک نشود، ایمان به خدا در آن تجلی پیدا نمی‌کند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۲: ۳۰۹؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲: ۳۴۴). بنابراین، همان‌طور که پذیرش ولایت الله از اصول اساسی ایمان و نماد توحید است، اجتناب و مبارزه با طاغوت نیز به‌عنوان یک اصل مهم و مورد تأکید قرآن کریم امری اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید.

قرآن کریم با دسته‌بندی مردم به اهل ایمان و طاغوت، تبیین می‌کند که مردم یا تحت ولایت الله هستند یا تحت ولایت طاغوت و با قراردادن این دو در مقابل هم به این نکته توجه می‌دهد که میان آن دو تضادی هست که قابلیت جمع ندارند؛ یعنی درعین ایمان به الله گرایش به ولایت طاغوت معنا ندارد (نساء: ۵۱ و ۷۶).

همچنین در آیه ۱۷۰ اعراف، شرط اصلاح واقعی در زمین برای دسترسی به جامعه آرمانی و نیل به زندگی سعادت‌مند را تمسک به کتاب آسمانی «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ» و

فرمان‌های الهی «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» دانسته است. تمسک به معنای گرفتن و چسبیدن به چیزی برای حفظ و نگهداری آن است و حقیقت تمسک به کتاب الهی آن است که اجازه داده نشود کمترین مخالفتی با آن از هیچ سو انجام شود و در تحقق یافتن مفاهیم آن از جان و دل بکوشیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۶: ۴۳۵). بنابراین، نمی‌توان در مقابل قرآن و فرمان‌های الهی گزینشی عمل کرد (نساء: ۱۵۰ و ۱۵۱) و درعین ایمان به دین، دل در گرو دشمنان آن داشت. با این حال، می‌بینیم در طول تاریخ جوامع ایمانی گرایش به طاغوت داشته‌اند. اینجاست که لزوم درک صحیح مسلمانان از مرزبندی در مقابل جبهه خودی و دشمن از طریق بازاندیشی در آیات قرآن ضروری می‌شود. از این رو، آسیب‌شناسی و تبیین صحیح عوامل و راه‌های برون‌رفت از آن تکلیفی خطیر برای امت اسلامی در مواجهه با طاغوت‌های زمانه است؛ طواغیتی که همواره به دنبال تحمیل سلطه خود بر جامعه ایمانی هستند. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آسیب‌شناسی گرایش جامعه ایمانی به طاغوت از دیدگاه قرآن کریم است که عوامل، آثار، راه‌های برون‌رفت و رسیدن به جامعه مطلوب را بررسی می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

طبق جست‌وجوهای انجام‌شده، مقالاتی وجود دارد که به صورت کلی به مباحث پیرامون گرایش به طاغوت پرداخته‌اند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن در رابطه با طاغوت و استلزامات تربیتی آن» از علی سرلک و زهرا عسکری (۱۴۰۰) اشاره کرد. این اثر با مشخص ساختن مفهوم طاغوت در قرآن به اثبات نگاه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی قرآن به مقوله طاغوت پرداخته است.

مقاله دیگر «رجوع به طاغوت در منابع تفسیری و روایی و گستره آن» از محمود حایری و همکارانش (۱۳۹۸) است. این پژوهش به تعیین حدود ممنوعیت رجوع به طاغوت در حوزه حکومت و تبیین حکم تکلیفی و وضعی آن براساس مقبوله عمر بن حنظله پرداخته است. مقاله دیگر «ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت از دیدگاه قرآن کریم» از مسعود پورفرد و همکاران ایشان (۱۳۹۷) است. تمام تلاش نگارنده در این پژوهش ایجاد زمینه برای درک هرچه بهتر مفهوم طاغوت و چگونگی مواجهه با آن است. در میان کتاب‌ها،

کتابی که منحصراً به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد. هرچند در برخی کتاب‌ها، مانند جلد نوزدهم تفسیر تسنیم از آیه‌الله جوادی آملی (۱۳۷۸)، مباحثی درباره گرایش یهود به جبت و طاغوت ارائه شده است، در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌گرفته پژوهش مستقلی که به صورت خاص به ریشه‌یابی و شناسایی عوامل گرایش به طاغوت و راه‌های برون‌رفت از آن و بازسازی جامعه مطلوب پرداخته باشد، وجود ندارد.

### ۳. چهارچوب نظری: روش‌شناسی اسپریگنز

آسیب، ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و پیدایش تباهی است (سیدباقری، ۱۳۹۹، ۱۲۳) و آسیب‌شناسی به مشاهده عوارض بیماری، تکاپو برای یافتن ریشه‌ها، تشخیص و درمان بیماری‌ها گفته می‌شود (مساواتی آذر، ۱۳۸۱، ۳). بنابراین، آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی است که اگر در جامعه هنجارها مراعات نشود کج‌روی پدید می‌آید و رفتار آسیب می‌بیند (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۶۴).

آنچه در این پژوهش بنیادی-کاربردی دارای اهمیت است، فهم آسیب‌گرایش به طاغوت و حرکت از وضع نامطلوب به مطلوب است. این حرکت باید در یک چهارچوب و قالبی ارائه شود. اسپریگنز از جمله نظریه‌پردازانی است که با بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی چهارچوب‌هایی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹، ۱۸۸). در یک نگرش کلی، براساس نظریه بحران اسپریگنز آسیب‌های اجتماعی را می‌توان در چهار مرحله شناسایی کرد:

مرحله اول: مشاهده آسیب و تلاش برای درک تصویری جامع از آن؛

مرحله دوم: مطالعه دقیق و جست‌وجوی عوامل و ریشه‌های آسیب؛

مرحله سوم: ارائه راه‌حل‌ها و راه‌های برون‌رفت برای غلبه بر آسیب و بحران؛ (در این

مرحله نظریه‌پرداز از مرحله هست‌ها گذر کرده و به مرحله پدیدها می‌رسد.)

مرحله چهارم: بازسازی جامعه مطلوب یا ترسیم وضعیت آرمانی. این مرحله از

نظریه‌پردازی تصویری از جامعه احیاشده است که می‌تواند قبل یا بعد از ارائه راه‌حل یا

تشخیص علل، مرحله به مرحله ظاهر شود (اسپریگنز، ۱۳۷۷، ۴۱).

در قرآن کریم بحث گرایش به طاغوت براساس این چهار مرحله به صراحت و یک‌جا بیان نشده است. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تحلیل محتوا و تکنیک مقوله‌بندی مضامین براساس واحد آیات، تمام ابعاد مربوط به این آسیب اجتماعی و زوایای پنهان آن از دیدگاه قرآن براساس این چهار مرحله، واکاوی شود.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴-۱. مشاهده و درک جامع از بحران: گرایش به طاغوت

##### ۴-۱-۱. شبکه مفهومی طاغوت در قرآن

شبکه مفهومی طاغوت در قرآن در دو محور ارتباط اندراجی و ارتباط اشرافی مشخص می‌شود. منظور از ارتباط اندراجی ارتباط سلسله‌مراتبی بین مفاهیم است که ذیل یکدیگر قرار می‌گیرند و ابعاد و مراتب یکدیگر هستند، هرچند یگانگی مفهومی بین آن‌ها وجود ندارد. در ارتباط اندراجی گستره فهم نسبت به مفهوم اصلی گسترش می‌یابد و جنبه‌های مبهم آشکار می‌شود؛ اما اگر بین مفاهیم یگانگی مفهومی وجود داشته باشد و تفاوت اساسی بین آن‌ها نباشد، هرچند جزئی از آن باشد، مانند رابطه نور خورشید با شعاع‌های آن، ارتباط از نوع اشرافی خواهد بود (سرلک، ۱۴۰۰، ۸۱۸). عبارت‌هایی مانند ولایت طاغوت (بقره: ۲۵۷) مصادیق طاغوت (طه: ۲۴-۴۳؛ حاقه: ۱۱؛ نجم: ۵۲)، پیروان طاغوت (نساء: ۵۱-۷۶؛ مانده: ۶۰)، تبری از طاغوت (بقره: ۲۵۶؛ نحل: ۳۶؛ زمر: ۱۷) از مصادیق ارتباط اندراجی؛ و واژه‌هایی مانند طغیان (بقره: ۱۵)، استکبار (فاطر: ۴۳)، بطر (انفال: ۴۷)، تجاوز و عصیان (حجرات: ۷؛ احقاف: ۱۶)، به استضعاف کشیدن (اعراف: ۷۵)، عاتیه (حاقه: ۶)، جبار (هود: ۵۹)، بغی (نحل: ۹۰)، استعلا (قصص: ۴) و... دارای ارتباط اشرافی با کلمه «طاغوت» هستند.

در این پژوهش، در مجموع ۶۰ واحد (۱۶ واحد اندراجی و ۴۴ واحد اشرافی) به روش توصیفی-تحلیلی مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی که متکی به تجزیه و تحلیل انتزاعی داده‌ها می‌باشد (عزتی، ۱۳۷۶، ۲۴۹) بررسی شده و در حدود ۲۵۶ مضمون و پیام از آن برداشت شد. در مرحله بعد،

مضامین مرتبط با عوامل گرایش به طاغوت و راه‌های برون‌رفت از آن دسته‌بندی شد و مقولات نهایی مطرح گردید. با تکیه بر جهت‌گیری آیات دو مقوله اصلی شناسایی شد که به علت محدودیت در افزایش حجم مطالب مقاله، یکی از آن‌ها تحت عنوان «گرایش نسبی به طاغوت» انتخاب شد. با تحلیل واحدهای تحت این عنوان چهار مقوله فرعی استخراج، و تمام مضامین دارای مفاهیم مشترک درباره عوامل و راه‌های برون‌رفت ذیل این چهار مقوله بررسی و تبیین شد.

#### ۴-۱-۲. مفهوم طاغوت و گرایش به آن

کلمه «طاغوت» مصدری است به معنای طغیان که در اصل طغوت بوده است. لام‌الفعل آن به جای عین‌الفعل، قلب و سپس به الف تبدیل شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲: ۴۹۰). این کلمه در مفرد و تثنیه و جمع و مذکر و مؤنث، یکسان است و تغییر نمی‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۹). این واژه در لغت از ماده «طَغَى یَطْغَى» به معنای تجاوز از حد خود (جوهری، ۱۹۸۷، ۵۶۰) و در اصطلاح به کسی که در شر و معصیت فراتر از حد خود قدم بگذارد گفته شده است (سرلک، ۱۴۰۰، ۸۱۶). «طاغوت» هشت بار به کار رفته و استعمال آن در قرآن مربوط به مواردی است که وسیله طغیان باشد، مانند اقسام معبودهای غیر خدا، امثال بت‌ها و شیطان‌ها و جن‌ها و پیشوایان ضلالت از بنی آدم، و هر متبوعی که خدای تعالی راضی به پیروی از آن‌ها نیست. بنابراین، گرایش به طاغوت را می‌توان هم گرایش به معبودهایی غیرالهی و پیشوایان گمراه و هم گرایش به هر آیین و مسیر انحرافی و نادرست، که رضای الهی در آن وجود ندارد، تعریف کرد.

#### ۴-۱-۳. ابعاد گرایش به طاغوت در قرآن

از دیدگاه قرآن، گرایش به طاغوت در جامعه ایمانی به دو صورت امکان تحقق دارد:

##### الف) گرایش مطلق به طاغوت یا ارتداد

«ارتداد» در لغت از ریشه «ردد»، مطلق رجوع از چیزی به چیز دیگر را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۱۹۲ و ۱۹۳). در اصطلاح فقهای شیعه و اهل سنت، به بازگشت از اسلام به کفر (گرایش از حق به باطل) اطلاق شده است (ناصح، ۱۳۹۵، ۱۴۹). بنابراین،

به مسلمانی که از اسلام خارج شده و با گرایش به سمت کفر آن را انتخاب کرده است «مرتد» گفته می‌شود.

واژه «ارتداد» و مشتقاتش به معنای لغوی و اصطلاحی آن ۵۹ بار در قرآن به کار رفته است. معنای اصطلاحی در ۹ سوره قرآن (۳ سوره مکی و ۶ سوره مدنی) و با فراوانی ۱۸ آیه به کار رفته است که برخی با صراحت در لفظ ارتداد از ریشه ردد، ارتداد از دین را هرچند با صیغه‌های متفاوت بیان می‌دارند و در برخی از دیگر آیات این مفهوم با عبارات و الفاظ دیگری (به غیر از ریشه ردد) بیان شده است.

شایان ذکر است این نوع گرایش به طاغوت مخصوص امت اسلام نبوده، بلکه در امت‌های گذشته نیز وجود داشته است. برای نمونه، می‌توان به گوساله‌پرستی قوم حضرت موسی علیه السلام (اعراف: ۱۴۸) اشاره کرد (مانده: ۷۲ و ۷۳؛ توبه: ۳۰). آنچه در این پژوهش مدنظر است این نوع از گرایش به طاغوت نیست.

#### ب) گرایش نسبی به طاغوت

تولی و تبری به معنای اظهار دوستی با دوستان خدا و اظهار دشمنی با دشمنان خدا، از فروع دین اسلام و از رفتارهای مطلوب اجتماعی در حوزه دین‌داری است. خداوند متعال در آیه ۱۴۴ نساء از مؤمنان خواسته است که معامله آن‌ها با کفار معامله دشمنی و با مؤمنان معامله دوستی باشد (طیب، ۱۳۶۹، ۴: ۲۴۸). در آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (نساء: ۱۴۴)؛ ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید». آیه شریفه با خطاب قراردادن مؤمنان و با عبارت «لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ» آن‌ها را از تولی به کفار نهی کرده است و با «مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» که به منزله استثنای منقطع است امر به دوست و ناصر گرفتن مؤمنان کرده است (همان: ۲۴۹).

براین اساس، منظور از گرایش نسبی به طاغوت، تمایل اجتماعات ایمانی به کفار است که بین مسلمانان در صدر اسلام و در طول تاریخ وجود داشته است و آیه درصدد بیان و تهدید و برحذر داشتن از آن است. این نوع از گرایش - که بحث اصلی پژوهش است - خود را به چند صورت نشان داده است:



## ۱. طرح دوستی و اظهار محبت به کفار

نهی از دوستی و اظهار محبت به کفار در چند جای قرآن کریم آمده است. برای نمونه، خداوند در ابتدای سوره ممتحنه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (ممتحنه: ۱)؛ ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید. شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، درحالی‌که آنان به یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند».

از زمینه آیه استفاده می‌شود که برخی مؤمنان مهاجر در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی داشته‌اند، که این آیه آنان را از این عمل نهی کرد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۹: ۳۸۸). علاوه بر آن، روایات شأن نزول هم این مطلب را تأیید می‌کند (در قسمت علل و عوامل به آن اشاره خواهد شد). حتی خداوند مؤمنان را از دوستی با پدران و برادران کافر خود نهی کرده و دوستی با آن‌ها را از مصادیق ظلم به خود معرفی کرده است (توبه: ۲۳). سبب نهی، مداخله آنان در امور مؤمنان و تصرف در بعضی شئون حیاتی آن‌هاست، تا به تدریج در دل آنان رخنه نکنند، و در نتیجه مؤمنان را از قیام علیه آنان بازدارند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۹: ۲۷۴).

## ۲. هم‌رازگرفتن کفار

تعدادی از انصار با یهودیان و منافقان، به قدری صمیمی بودند که اسرار مسلمانان را به آنان می‌گفتند (طبرانی، ۲۰۰۸، ۲: ۱۱۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۳: ۱۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ۴: ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۲۱۹؛ میدی، ۱۳۷۱، ۲: ۲۵۵). بدین وسیله قوم یهود که دشمن سرسخت مسلمانان بودند و به ظاهر خود را دوست آنان قلمداد می‌کردند، از اسرارشان مطلع می‌شدند. آیه نازل شد و به مسلمانان هشدار داد که چون آنان در دین شما نیستند و از هیچ توطئه و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند نباید آن‌ها را محرم اسرار خود قرار دهید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران: ۱۱۸).

## ۳. بردن داوری نزد کفار

یکی از رفتارهای اجتماعی نامطلوب صدر اسلام بردن داوری نزد کفار با وجود حضور

پیامبر ﷺ بین مسلمانان بود. آیه ۶۰ سوره نساء با عبارت: «أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ» به این مطلب اشاره کرده و آیه ۶۵ همین سوره مسلمانانی را که به حکم پیامبر ﷺ، که دراصل حکم خداوند است، راضی نمی‌شدند و برای داوری نزد طاغوت می‌رفتند ملامت می‌کند و ایمان حقیقی را در گرو پذیرش داوری پیامبر ﷺ معرفی می‌کند: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)؛ به پروردگارت سوگند! که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ دلتنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به‌طور کامل تسلیم شوند».

ظاهر سیاق در ابتدای امر چنین می‌نماید که آیه در ردّ منافقان است، اما غایت در آیه (تازمانی که) و همچنین آیه بعد «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ» تا جمله «مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ» (نساء: ۶۶) مؤید این مطلب است که آیه شامل غیر منافقان نیز می‌شود؛ چون ظاهر حال بسیاری از مسلمانان نشان می‌دهد که صرف تصدیق قرآن و احکام نازل‌شده از ناحیه خدای تعالی را نشان ایمان حقیقی به خدا و رسول می‌دانسته‌اند، درحالی که این‌طور نیست؛ بلکه ایمان عبارت است از این که انسان به‌طور تام و کامل و به باطن و ظاهر تسلیم امر خدا و رسولش باشد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۴: ۶۴۷).

همچنین، روایات شأن نزول آیه (مبنی بر اختلاف زبیر و یکی از انصار بر سر مجرای آبیاری زمین‌هایشان که پیامبر ﷺ به مسامحه بین آن‌ها حکم کرد، اما انصار ناراحت شد و با دهن کجی گفت: پیامبر به‌نفع پسرعمه‌اش حکم صادر کرد)، نشان از نپذیرفتن حکم رسول خدا در بین مسلمانان دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۶: ۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۱۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ۵: ۱۰۱).

#### ۴. هم‌صدایی با کفار

حادثه احد علاوه بر اینکه آینه تمام‌نمایی از انعکاس چهره واقعی مسلمانان آن زمان بود که می‌توانستند به‌وسیله آن به اصلاح خود بپردازند، زمینه‌ساز سمپاشی دشمنان و منافقان نیز بود. به‌همین دلیل، آیات بسیاری برای خنثی کردن این سمپاشی‌ها نازل شد، از جمله: «يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا  
عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
بَصِيرٌ (آل عمران: ۱۵۶)؛ ای اهل ایمان! مانند کسانی نباشید که کفر ورزیدند و درباره  
برادرانشان هنگامی که آنان به سفر رفتند یا جهادگر بودند گفتند: اگر نزد ما مانده بودند  
نمی‌مردند و شهید نمی‌شدند. [شما به کافران اعتنا نکنید] تا خدا این [اعتقاد و گفتار] را  
حسرتی در دل‌هایشان قرار دهد. و خداست که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و خدا به آنچه  
انجام می‌دهید، بیناست».

آیه درصدد درهم‌کوبیدن فعالیت‌های تخریبی کفار و نهی مؤمنان از هماهنگ شدن با  
آنان درباره شهادت احد است و آنان را به علت تشبه به کفار توبیخ می‌کند. مؤمنان  
ضعیف‌الایمانی که با کفار هم‌صدا شده بودند و معركة جنگ را فقط به دلخواه رسول  
می‌دانستند نه به امر خدای تعالی و اظهار تأسف می‌کردند و می‌گفتند این‌هایی که در جنگ  
کشته شدند اگر از منزلشان به سفر نمی‌رفتند یا در جنگ وارد نشده و نزد ما مانده بودند نه  
می‌مردند و نه کشته می‌شدند (امین، بی‌تا، ۳: ۳۰۹). گرچه منافقان این سخنان را در لباس  
دلسوزی ایراد می‌کردند، انگیزه‌ای جز مسموم‌ساختن روحیه مؤمنان نداشتند. بنابراین،  
مؤمنان نباید تحت تأثیر سخنان مسموم قرار گیرند و چنین جمله‌هایی بر زبان آورند (مکارم  
شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۱۳۷).

#### ۲-۴. ریشه‌یابی و شناسایی عوامل بحران

«عوامل» جمع «عامل» به معنای آن کس یا چیزی است که کار، رویداد یا چیزی را به وجود  
می‌آورد یا در به وجود آوردن آن نقش دارد (انوری، ۱۳۸۲، ۵: ۴۹۵۹). بنابراین، «عامل»  
واژه‌ای مشترک است که هم به معنای علت تامه است که موجب تحقق یک پدیده می‌شود و  
هم به معنای علت زمینه‌ساز است که بستر تحقق یک پدیده را ایجاد می‌کند (سجادی،  
۱۳۷۵، ۵۲۳). در این پژوهش، منظور از عوامل، علل زمینه‌ساز گرایش به طاغوت است که  
غالباً ریشه در بینش و معرفت انسان‌ها دارد. این عوامل در دو حوزه اعتقادی-اخلاقی و  
سیاسی-اجتماعی بررسی می‌شود.

#### ۴-۲-۱. عوامل اعتقادی اخلاقی

#### ۴-۲-۱-۱. جهل و غفلت نسبت به شئون خاصه الهی

#### الف) امامت و احیا و بصیربودن خدا

خداوند در آیه ۱۵۶ آل عمران علت هم‌صدایی با کافران در مورد کشتگان احد را جهل نسبت به احیا و امامت «وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ» و غفلت از بینا بودن خداوند نسبت به بندگان «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» معرفی می‌کند.

#### ب) مالکیت حقیقی خداوند

خداوند بعد از تهدید مؤمنانی که برای کسب عزت، کفار را اولیای خود می‌گیرند «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ» (نساء: ۱۳۹) همه عزت را نزد خود معرفی می‌کند: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» و از آنجا که عزت از فروع ملک است (آل عمران: ۲۶) معلوم می‌شود زمانی که مالک حقیقی جز خدای تعالی کسی نباشد، عزت نیز خاص او خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۵: ۱۱۵). بنابراین، کسب عزت نزد غیر خدا نشان از نداشتن ایمان حقیقی به مالکیت خداوند است.

#### ۴-۲-۱-۲. ترس از طاغوت

برخی مسلمانان به علت ترس از رسیدن حادثه ناگوار به خودشان یا ارحام و فرزندان‌شان و به انگیزه دفع خطر با طرح دوستی به دنبال جلب حمایت طاغوت برمی‌آیند؛ چنان‌که در شأن نزول آیه اول سوره ممتحنه نقل شده است: یکی از مسلمانان به نام «حاطب بن ابی بلتعنه» در زمانی که پیامبر ﷺ آماده فتح مکه می‌شد نامه‌ای به همراه مقداری درهم یا دینار به ساره، که وابسته به یکی از قبایل مکه بود، داد و از او خواست اهل مکه را از حرکت رسول خدا آگاه کند. جبرئیل این ماجرا را به اطلاع پیامبر رساند. رسول خدا ﷺ به حضرت علی ﷺ و چند نفر دستور حرکت به سمت مکه را دادند تا در یکی از منزلگاه‌های وسط راه به آن زن رسیدند. از او نامه را خواستند ولی سوگند یاد کرد که هیچ نامه‌ای نزد او نیست. او را تهدید کردند. ساره که نامه را در میان گیسوانش پنهان کرده بود بیرون آورد. آن‌ها نامه را خدمت پیامبر آوردند.

حضرت به سراغ «حاطب» فرستاد و فرمود: این نامه را می‌شناسی؟ عرض کرد: بلی. فرمود: چه چیز موجب شد به این کار اقدام کنی؟ عرض کرد: ای رسول خدا! به خدا سوگند، از آن روز که اسلام را پذیرفته‌ام لحظه‌ای کافر نشده‌ام، ولی مسئله این است که خانواده من در چنگال کفار مکه گرفتارند؛ خواستم مزاحم خانواده من نشوند، درحالی که می‌دانستم خداوند سرانجام آن‌ها را گرفتار شکست می‌کند. اینجا بود که آیه نازل شد و درس‌های مهمی در زمینه ترک هرگونه دوستی نسبت به مشرکان و دشمنان خدا به مسلمانان داد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۵۱۱؛ طبرسی، ۱۴۰۷، ۹: ۴۰۵، فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۹: ۵۱۵).

همچنین، خداوند در آیه ۵۲ مائده خطاب به بیمار دلان که در برخی از معارف دینی در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند می‌فرماید: «يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ در دوستی با یهود و نصاری شتاب می‌ورزند و می‌گویند: می‌ترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد».

#### ۴-۲-۱-۳. سوءظن به رسول خدا ﷺ

اکثریت شهدای احد از انصار بودند. بعد از اتمام جنگ، حسرتی از کشته‌شدگان وجود آن‌ها را فرا گرفت. خداوند متعال در آیه ۱۵۶ آل عمران علاوه بر اشاره به حسرت آن‌ها علت آن را سوءظن به رسول خدا ﷺ بیان می‌دارد. این برداشت از کلام «لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا» (آل عمران: ۱۵۶) و «لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا» (آل عمران: ۱۶۸) استنباط می‌شود. حاصل جمع دو کلام آن است که اگر رسول خدا ﷺ را اطاعت نمی‌کردند، نه می‌مردند و نه کشته می‌شدند؛ یعنی رسول خدا آنان را به کشتن داد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۴: ۵۵).

#### ۴-۲-۱-۴. ضعف ایمان

خداوند در آیه ۵۷ سوره مائده نهی مؤمنان از دوست گرفتن کفار و کسانی که دین آن‌ها را به‌سخره گرفته‌اند، را با عبارت «وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ختم می‌کند. این جمله تأکید برای نهی «لَا تَتَّخِذُوا» و علت آن است. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۶: ۲۶)؛ یعنی مؤمن واقعی در کار خود چاره‌ای جز پرهیز از دوستی با کفار نمی‌بیند و راضی نمی‌شود با گرایش به اغیار، دین و آنچه به آن ایمان دارد مورد استهزا قرار گیرد.

در آیه ۵۲ مائده نیز این نهی با «فَتَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ» همراه شده است تا ناخالصی در ایمان را نشان دهد و آن را با «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» تعلیل کرده تا بیان کند مسلمانانی که یهود و نصارا را به دوستی برمی‌گزینند راه ایمان که راه هدایت الهی است، نمی‌روند و این افراد مثل یهود و نصارا ظالم‌اند و مشمول هدایت الهی نمی‌شوند.

همچنین، از عوامل تحاکم به طاغوت می‌توان به ضعف ایمان اشاره کرد؛ چراکه در آیه ۶۵ نساء خداوند با سوگند به خود، رجوع و پذیرش داوری پیامبر را شرط ایمان واقعی دانسته است: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» (نساء: ۶۵)؛ بنابراین، مؤمن حقیقی علاوه بر تسلیم بودن در برابر حکم تکوینی خدا در برابر حکم پیامبر خدا، که دراصل حکم خداست، تسلیم است (نساء: ۱۰۵) و اگر افرادی به دلایلی، مانند ترس از رسوایی، به ظاهر اظهار تسلیم کنند ولی در باطن تسلیم نباشند یا در ظاهر هم از حکم او روی بگردانند و نزد طاغوت روند نشان از ضعف ایمان آنان دارد.

#### ۴-۲-۱-۵. سنخیت روحی با طاغوت

یکی از مسائل روحی و روانی در انسان، گرایش به‌سوی چیزی است که با آن سنخیت دارد. براساس آیات قرآن، وجود روح طغیانگری در افراد از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و طاغوت و گرایش به آن‌هاست. آیات ۲۷ تا ۳۲ سوره صافات حکایت از مخاصمه تابعان و متبوعان در روز قیامت دارد. در این آیات رؤسای کفر با تبرئه‌کردن خود، علت گرایش تابعان به آن‌ها را طاعی بودن و سنخیت با آن‌ها معرفی می‌کند: «بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ... فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ». این مطلب از فاء تفریع بر سر «فَأَعْوَيْنَاكُمْ» فهمیده می‌شود. پس اگر انسان متصف به طغیان شود گمراهی گریبانش را می‌گیرد و این باعث اتصال و پیروی از گمراهان می‌شود و این طغیان طبیعی است؛ چراکه گمراه جز گمراهی از او ترشح نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۷: ۱۳۳).

بنابراین، از عوامل زمینه‌ساز گرایش به طاغوت وجود روحیه طغیانگری در فرد است که از تکبر و خودبرتربینی نشئت می‌گیرد؛ چراکه طاغوت از طغیان و تجاوز از حد به‌وجود

می‌آید و انسان متکبر و خودبرتربین به‌نوعی از حد خود فراتر رفته و طغیانگر است. این ویژگی به‌علت وجود تناسب و سنخیت روحی با انسان‌های متکبر، گرایش به طاغوت را به‌همراه دارد.

#### ۴-۲-۱-۶. وسوسه شیطان

خداوند در آیه ۶۰ سوره نساء در جریان تحاکم به طاغوت می‌فرماید: «باینکه به آنچه در کتب آسمانی و از طریق وحی بر انبیا، یعنی رسول اسلام ﷺ و انبیای قبل از آن جناب، نازل شده اعتقاد دارند و نیز می‌دانند که تحاکم نزد طاغوت لغوکردن کتب خدا و ابطال شرایع اوست و مأمور شده‌اند به این‌که به طاغوت کفر بورزند، اما آن‌ها میلشان به اطاعت از طاغوت می‌گراید و تحاکم را نزد آن‌ها می‌برند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۴: ۴۰۲). در پایان آیه، خداوند عامل اصلی این گرایش را القای شیطان و اغوای او معرفی می‌کند: «وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» و غرض شیطان از این القانات را گرفتارکردن مؤمنان به ضلالتی دور از نجات، بیان کرده است.

#### ۴-۲-۲. عوامل سیاسی-اجتماعی

##### ۴-۲-۲-۱. بی‌بصیرتی در دشمن‌شناسی

در شأن نزول آیه ۱۱۸ سوره آل‌عمران نقل شده است که مسلمانان به‌سبب همسایگی، قرابت، حق رضاع یا پیمانی که پیش از اسلام بسته بودند، با یهودیان و منافقان دوستی داشتند و به‌قدری با آن‌ها صمیمی بودند که اسرار مسلمانان را به آنان می‌گفتند تا اینکه آیه نازل شد و به آنان هشدار داد آن‌ها را محرم اسرار خود قرار ندهند؛ به این دلیل که آنان درباره مؤمنان از هیچ شر و فساد کوتاهی نمی‌کنند، و خواستار رنج همیشگی مؤمنان هستند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ۳: ۱۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ۴: ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۲۱۹؛ میدی، ۱۳۷۱، ۲: ۲۵۵). در پایان همین آیه، خداوند با بیان «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل‌عمران: ۱۱۸) علت چنین گرایشی را عدم شناخت و تشخیص درست دوست از دشمن - که نتیجه جهل، غفلت و سفاهت است - دانسته و از آنان خواسته است با به‌کارگیری عقل و تدبیر در بینات الهی و هشیاری خود را حفظ کنند (طیب، ۱۴۱۲، ۳: ۳۲۷). همچنین، آیه ۱۱۹ سوره آل‌عمران به

ظاهر سازی طاغوت به دوستی با مؤمنان برای فریب آنان اشاره دارد تا مؤمنان خیال کنند آن‌ها دوستشان هستند (طیب، ۱۴۱۲، ۳: ۳۲۷)؛ می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ... وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعِظِ» (آل عمران: ۱۱۹)؛ بنابراین، اظهار محبت به هدف جذب طاغوت یا امید به تعامل با آنان خیال واهی است و مؤمنان با بصیرت به هر اظهار ایمانی اطمینان نمی‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱: ۵۹۲).

#### ۴-۲-۲. تأثیر جواذب دنیایی و فریبنده کافران در نفوس مؤمنان

برخی مفسران در تفسیر آیه ۵۱ سوره مائده تأثیر جواذب دنیایی و فریبنده کافران در نفوس مؤمنان را علت گرایش به طاغوت دانسته‌اند. این جاذبه‌ها مؤمنان را به تدریج از حوزه جاذبه ولایت خدا خارج و امت اسلامی را دچار تضادهای داخلی می‌کند و نهایتاً گرایش به طاغوت و استبداد بر آن‌ها را به همراه خواهد آورد (طالقانی، ۱۳۶۲، ۵: ۷۶). به علت تأثیر همین جاذبه‌هاست که خداوند متعال خطاب به مؤمنان آن‌ها را از رغبت و میل و تعلق قلبی به امکانات مادی از قبیل مال و جاه و شهرت نهی کرده است (حجر: ۸۸) و آن را شکوفه بی‌میوه و زیور و زینت دنیا که وسیله آزمایش آن‌هاست (طه: ۱۳۱) معرفی کرده است.

#### ۴-۲-۳. تبلیغات سوء طاغوت علیه جبهه حق

نظام طاغوتی از هر طریق ممکن و با مکر همه‌جانبه (انفال: ۳۰) به دنبال گمراه کردن جامعه ایمانی و گرایش آن‌ها به سوی خود است. از جمله شگردهای آنان تحریف لفظی و معنوی آیات الهی و سخنان اولیای خداست. نظام طاغوتی به دنبال آن است که با قداست‌شکنی از رهبران حق و با تهمت و افتراء، آن‌ها را مفسد (غافر: ۲۶) و خود را مصلح نشان دهد (بقره: ۱۱) تا بدین وسیله بین مردم نسبت به حقانیت رهبران الهی (اعراف: ۷۵؛ رعد: ۴۳؛ فرقان: ۷؛ تغابن: ۶) تردید ایجاد شود و با شایعه‌پراکنی و تبلیغات سوء (نساء: ۸۳) علیه جبهه حق و مسخره کردن سخنان خدا (انعام: ۱۴۴؛ لقمان: ۶) و با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مؤمنان (قصص: ۴) راه شناخت حق را غبار آلود کند. آن‌ها با استفاده از جنگ روانی و ابزار تبلیغات و اقدامات برنامه‌ریزی شده به نفوذ در عقاید و احساسات و رفتار جامعه ایمانی اقدام می‌کنند. همچنان‌که در دنیای امروز نیز می‌بینیم به صورت وسیع و گسترده با واژه‌هایی چون



آزادی، کرامت انسان، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، وطن دوستی... جای شهید و جلا را عوض می‌کنند.

#### ۴-۲-۲-۴. اتراف

از جمله عوامل تأثیرگذار در فرایند شکل‌گیری نگرش و رفتار افراد جامعه، گروه‌های مرجع هستند. منظور از گروه‌های مرجع گروه‌هایی است که افراد آن‌ها را معیار مقایسه، داوری و تصمیم‌گیری درباره عقاید و رفتار خود قرار می‌دهند و آن‌ها را برای ارزیابی جنبه‌های گوناگون زندگی خود مهم می‌شمارند و رفتار خود را بر مبنای آن‌ها شکل می‌دهند. این گروه‌ها با توجه به نقش الگویی خود که به القای هنجارها به افراد جامعه می‌پردازند (کارکرد هنجاری) و با در اختیار قراردادن معیارهایی برای محک‌زدن کنش و نگرش خود (کارکرد مقایسه‌ای و تطبیقی) می‌توانند تأثیر زیادی بر جامعه داشته باشند (میرسندسی، ۱۳۹۳، ۱۰۵).

در رهیافت قرآنی، این گروه‌ها به دو گروه حق و باطل تقسیم می‌شوند (محمد: ۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۲۲۴). گروه مرجع حق به هدف دستیابی به قرب الهی راه هدایت را در پیش گرفته و گروه‌های مرجع باطل می‌کوشند از هر راه و روشی به قدرت، ثروت و مقام دست یابند (میرسندسی، ۱۳۹۳، ۱۱۴). به همین دلیل، در سراسر قرآن پیوسته انسان‌ها را به الگوگیری از گروه‌های مرجع حق و دوری از گروه‌های مرجع باطل فرا می‌خواند (جائیه: ۱۸؛ بقره: ۱۶۶ و ۱۶۷).

از جمله گروه‌های مرجع باطل در قرآن، مُتْرِفین هستند که با شاخصه‌هایی همچون نادانی، گمراهی، ظلم و بندگی خود به جای بندگی خدا، در طول زمان سبب گمراهی افراد زیادی شده‌اند (مخدومی، ۱۳۹۸، ۱۱۱-۱۱۳). اتراف از «ترف» به معنای تنعم است و مُتْرِف یعنی کسی که دارای نعمت زیاد باشد و راحتی و آسایش در زندگی او را فریفته و به طغیان و سرکشی وادارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۶۶؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۷۲). بنابراین، ثروتمندان خودفریفته خدا فراموشی که مست باده غرور و طغیان و اهل فسق شده‌اند (هود: ۱۱۶) از عوامل بسیار مهم سوق‌دادن جامعه به سمت فسق و فجور و تباهی (اسراء: ۱۶) و گرایش به طاعت هستند. آن‌ها در طول تاریخ همسو و در کنار طاعت‌ها بوده‌اند و

باتوجه به مرجع بودن، زمینه سرایت فرهنگ منحط گرایش به طاغوت را در جامعه فراهم می‌کنند (سبأ: ۳۴؛ زخرف: ۲۳؛ مؤمنون: ۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۸: ۱۰۶).

#### ۳-۴. راه‌های برون‌رفت از گرایش به طاغوت

قرآن به عنوان نسخه شفابخش، در کنار بیان آسیب‌گرایش به طاغوت، راه‌های برون‌رفت از آن را -که متناظر با عوامل ایجادکننده آن است- در دو حوزه بینش و عمل بیان کرده است:

##### ۳-۴-۱. حوزه بینش

در نگاه کلی، بهره‌مندی ناقص از تعالیم الهی باعث ضعف بینش و از عوامل گرایش به طاغوت است (نساء: ۵۱). بنابراین، رجوع به تعالیم دین و تقویت ایمان در حوزه‌های زیر از راه‌های برون‌رفت از این آسیب اجتماعی است:

##### ۳-۴-۱-۱. تقویت بینش نسبت به شئون الهی

باتوجه به عامل جهل و غفلت از شئون خاصه الهی همانند احیا و اماته، بصیربودن خداوند به عنوان یکی از عوامل گرایش به طاغوت، تقویت بینش و معرفت نسبت به این شئون از راه‌های برون‌رفت از این نوع گرایش است. از همنشینی کلمات «رب» (دخان: ۸؛ بقره: ۲۵۸) و «خلق» (ملک: ۲) با احیا و اماته در قرآن کریم فهمیده می‌شود که معنای رب و خالقیت در اماته و احیا نهفته است؛ یعنی تدبیر زندگی و مرگ بندگان در دست خداوند است (قاسمی حامد، ۱۳۹۷: ۷۰) و دوری افراد از خانواده و بستگان، در سفر یا حضر بودن، و در صلح یا جنگ بودن تأثیر نهایی در زنده نگه‌داشتن و میراندن انسان ندارد. همچنین، در نظر داشتن بینا بودن خداوند نسبت به بندگان و مورد مواخذه قراردادن آن‌ها از راه‌های برون‌رفت است؛ چنان‌که خداوند در هم‌صدایی با کافران در مورد کشتگان احد (آل عمران: ۱۵۶) و به دنبال آیه ابتدایی سوره ممتحنه که برخی مسلمانان به علت ترس از کفار و به انگیزه دفع خطر با طرح دوستی به دنبال جلب حمایت آن‌ها برمی‌آیند، فرموده است: «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». این عبارت به منزله تأکید و به این معناست که در روز قیامت ارحام و اولاد، شما را در برطرف کردن آثار این خیانت (گرایش به طاغوت) سودی نخواهند داشت، و خدا به آنچه می‌کنید بیناست و چیزی بر او پوشیده نیست، و به عظمت

این خیانت شما آگاه است، و خواه‌ناخواه شما را بر آن مؤاخذه خواهد کرد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۹: ۲۲۹).

همچنین، خداوند در آیه ۹ سوره شوری با بیان انحصار ولایت در خدای سبحان «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» برای بیان وجوب ولایت خدا به شئون احیا و اماته «وَهُوَ يَحْيِي الْمَوْتَى» و قدرت مطلق الهی «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» اشاره می‌کند؛ یعنی خدایی که بشر را زنده می‌کند و می‌میراند، و قدرت بر همه چیز دارد یگانه ولی است و غیر او کسی مالک نفع و ضرر نیست (رعد: ۱۶)؛ پس شایسته ولایت نمی‌باشد که مؤمنان به او گرایش پیدا کنند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۸: ۲۱). به همین دلیل، خداوند گرایش به طاغوت و اتخاذ ارباب و آل‌هه و روی آوردن به غیر خدا را به اتخاذ سست‌ترین خانه‌ها (خانه عنکبوت) تمثیل زده است (عنکبوت: ۴۱).

#### ۴-۳-۱-۲. شناخت حقیقت رسول الله ﷺ

از جمله عوامل گرایش به طاغوت سوءظن به رسول خدا ﷺ بود. بنابراین شناخت حقیقت پیامبر و ویژگی‌های او به‌عنوان رهبر الهی جامعه اسلامی می‌تواند عامل رفع سوءظن به پیامبر باشد. پیامبر فرستاده‌ای از ناحیه خداوند (آل عمران: ۱۴۴) و رحمتی برای عالمیان (انبیاء: ۱۰۷) است. او عظیم‌الخلق (قلم: ۴)، نرم‌خو (آل عمران: ۱۵۹)، دلسوز، مهربان و حریص برای هدایت مردم (توبه: ۱۲۸) و استغفارکننده بر ایشان (آل عمران: ۱۵۹) است. خدا با فرستادن چنین پیامبری بر مؤمنان منت نهاده تا از ضلالت به‌سوی هدایت خارجشان کند (آل عمران: ۱۶۴). اطاعت از او در کنار اطاعت از خدا (آل عمران: ۱۳۲)، ولایت او ولایت خدا (مانده: ۵۵)، قضاوت او قضاوت خدا و نپذیرفتن حکم او ضلالت آشکار (احزاب: ۳۶) است. شرط محبت خدا تبعیت از فرمان‌های اوست (آل عمران: ۳۱)؛ چون غیر از وحی نمی‌گوید (نجم: ۳). با این اوصاف جایی برای سوءظن به آن حضرت برای امتثال امر او برای حضور در جهاد یا پذیرش قضاوت او باقی نمی‌ماند.

#### ۴-۳-۱-۳. شناخت حقیقت طاغوت

معرفت به حقیقت طاغوت و علت اصلی دشمنی آن با جامعه ایمانی از راه‌های دوری از

طاغوت است. حقیقت طاغوت، به‌عنوان ولایت عارضی مذموم (طالقانی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۱۰)، مستکبر در برابر حق (یونس: ۷۵) که نسبت به پذیرش آن هشدار داده شده است (مائده: ۶۰)، خارج‌کننده انسان از نور به ظلمت (بقره: ۲۵۷) و گمراه‌کننده مردم از راه خداست (یونس: ۸۸). جبهه طاغوت با ایجاد تفرقه و اختلاف بین مردم (قصص: ۴) و استخفاف و تحقیر آن‌ها (زخرف: ۵۴)، معرفی کردن رهبران و مصلحان الهی به‌عنوان مخالفان آیین آباواجدادی (ملی) (طه: ۶۳) و معرفی خود به‌عنوان مصلح و خیرخواه با روش‌های گوناگون، مانند سوءاستفاده از احساسات و عواطف مردم و تحریک وطن‌دوستی (غافر: ۲۹)، سرمایه‌گذاری برای مخالفان جبهه حق (اعراف: ۱۱۳ و ۱۱۴) و سرکوبی مردان حق به‌وسیله تهدید، شکنجه و قتل، به جلوگیری از نفوذ و ترویج اندیشه‌های الهی می‌پردازد (طه: ۷۱؛ اعراف: ۱۲۴؛ شعراء: ۲۹).

براین اساس، علت اصلی دشمنی طاغوت با مؤمنان، ایمان آن‌ها به خداست و این دشمنی با امور ظاهری از جمله طرح دوستی و محبت به آن‌ها از بین نمی‌رود. خداوند متعال در آیه ابتدایی سوره ممتحنه بعد از نهی مؤمنان با جمله حالیه «يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» و تقدیر لام در عبارت «أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» این مطلب را بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۹: ۲۲۶) و در آیه بعد با عبارت «إِنْ يَتَّقُوا اللَّهَ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً» به این حقیقت اشاره می‌کند که دوستی با کفار از بغض و عداوت آن‌ها نسبت به شما نمی‌کاهد و جلب محبت آنان، به امید رفع عداوتشان هیچ سودی برای شما ندارد و دوستی‌های مؤمنان تغییری در دشمنی آن‌ها ایجاد نمی‌کند. و با دو کنایه بسط دست و زبان در عبارت «وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» بیان می‌دارد که اگر به شما دست یابند، دست و زبان خود را به بدی به سوی شما دراز می‌کنند، و دوست می‌دارند که شما کافر شوید و از دینتان برگردید (همان: ۲۲۸). دشمنی آن‌ها با شما به اندازه‌ای است که حاضرند علیه شما با دشمنانشان به‌علت یک هدف مشترک که از بین بردن شماست متحد شوند و همین است معنای جمله: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (مائده: ۵۱) که در مقام بیان علت فرمان «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» آمده است. پس با وجود ایمان در شما در نزدیک شدن به آن‌ها و محبت به آن‌ها هیچ سودی (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۵: ۳۶۷) و هیچ رضایتی از ناحیه آن‌ها برای شما نخواهد بود (بقره: ۱۲۰).

#### ۴-۳-۱-۴. شناخت تبعات گرایش به طاغوت

در قرآن کریم خداوند برای گرایش به طاغوت تعبیر سنگینی به کار برده است: «وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (آل عمران: ۲۸)، «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران: ۲۸)، «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده: ۵۱) و «أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴). این آیات حکایت از تبعات دنیوی و اخروی دارد که شناخت آن‌ها تأثیر بسیار زیادی در عدم گرایش جامعه ایمانی به کفار دارد. الحاق تنزیلی به کفار (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵: ۳۷۳)، اشتراک در عذاب با طاغوت (صافات: ۳۱-۳۳)، جهنمی شدن (ص: ۵۵-۵۷؛ صافات: ۳۰-۳۳؛ نازعات: ۳۷-۳۹)، سخت‌گیری در محاسبه اعمال دنیای آن‌ها و مبتلا شدن به عذاب سخت قیامت (طلاق: ۸)، لعنت و بدنامی در دنیا و آخرت (هود: ۶۰)، تحیر دنیوی ناشی از خشم خداوند و قطع نصرت الهی (نساء: ۱۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۲، ۵: ۱۱۷)، رواج سنت‌های ظالمانه و سبک زندگی غیردینی (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۱: ۵۰)، خروج از راه فطری (بقره: ۱۲۰؛ همان، ۱: ۲۶۵)، ایجاد فتنه و فساد (انفال: ۷۳)، خروج از حزب الله (آل عمران: ۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۰۲، ۳: ۱۵۱)، قرارگرفتن در زمرة منافقان (نساء: ۶۱ و ۶۲ و ۱۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۲، ۵: ۱۱۸) از جمله این‌هاست.

در سوره هود، گرایش به طاغوت با عبارت «وَاتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود: ۵۹) آمده است. باتوجه به کلمه «جبار» به معنای غالب‌گشتن بر مردم و اجبار آنان برای عمل مطابق دلخواه خود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱: ۴۷۸) می‌توان از ویژگی‌های نظام طاغوتی به استضعاف اشاره کرد؛ چنان‌که در مورد فرعون آمده است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ... يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (قصص: ۴). باتوجه به فعل مضارع «يَسْتَضَعِفُ» می‌توان آن را سنت و شیوه مستمر هر نظام طاغوتی دانست. استضعاف به معنای ناتوان‌یافتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۹۵) و ناتوان‌شمردن آمده است (جوهری، ۱۹۸۷، ۴: ۱۳۹۰). در مورد اول فردی را ضعیف می‌یابند و از او سوءاستفاده می‌کنند و در معنای دوم شخص ضعیف نیست اما رفتار ضعیفان را با او می‌کنند و نتیجه هردو سلطه یا استثمار است. بنابراین، گرایش و میل به طاغوت نه تنها مشکلی از جامعه ایمانی - که به علت انتسابش به خداوند باید دارای عزت باشد (نساء: ۱۳۹) و براساس قاعده «نقی سبیل» باید راه سلطه بیگانگان بر آن‌ها بسته باشد

(نساء: ۱۴۱) - حل نمی‌کند، بلکه جمود و رکود اجتماعی به وسیله تباه‌شدن خرد و فسق ناشی از خودباختگی (زخرف: ۵۴) راه را برای استثمار و بردگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... آن جامعه باز می‌کند.

#### ۴-۳-۲. در حوزه عمل

#### ۴-۳-۲-۱. استعاذه به خداوند

از اقدامات مورد استفاده طاغوت برای جذب به خود، تهدید و ارعاب جامعه ایمانی است؛ همچنان که فرعون از این حربه در مقابل حضرت موسی علیه السلام استفاده نموده و او را تهدید به کشتن کرد؛ اما حضرت موسی در برابر تهدید فرعون فرمود: «عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ (غافر: ۲۷)؛ من پناه می‌برم به پروردگار خودم و پروردگار شما». یعنی پناهنده و حافظ من از شر شما، همچنان که تاکنون حفظ فرموده، خداوند است و به او پناه می‌برم. چنانچه آخرین جمله مؤمن آل فرعون نیز در برابر فرعون طاغی «وَ أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (غافر: ۴۴) بوده است.

#### ۴-۳-۲-۲. توکل به خدا، صبر و تقوا

پیامبران الهی علاوه بر تقبیح و به‌پاخواستن علیه طاغوت زمان خودشان، مردم را از گرایش به آنان برحذر می‌داشتند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۳: ۱۷) و اولین قدم در این راه را توکل به خداوند بیان می‌کردند (قرآنی، ۱۳۸۴، ۵: ۲۵۸)؛ چنان‌که حضرت موسی علیه السلام برای رهایی بنی اسرائیل از بندگی در برابر فرعون آن‌ها را به استمداد و استعانت از خداوند متعال و صبر در این راه توصیه می‌کند (اعراف: ۱۲۸، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶: ۳۱۱).

در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره آل عمران که اشاره به ظاهرسازی طاغوت برای دوست نشان دادن خود به مؤمنان برای فریب آن‌ها دارد، صبر و تقوا را راهکار برون‌رفت از نیرنگ آن‌ها معرفی کرده است: «وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰)؛ چراکه خداوند هم به صبر و تقوای مؤمنان و هم به نقشه‌ها و کیدهای دشمن احاطه دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۴۰۸)؛ یعنی بر همه آن‌ها از جمیع جهات هم علم دارد و بر همه آن‌ها تواناست (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۸۲۳)؛ پس همه چیز تحت قدرت و

مشیت الهی است و بدون اراده خداوند ممکن نیست عملی انجام بگیرد (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۳۳۱). بنابراین، در امنیت بودن مسلمانان و تأثیرپذیرفتن از نقشه‌های شوم دشمنان مشروط به استقامت و داشتن تقواست، و فقط در این صورت است که امنیت آن‌ها تضمین شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۶۵).

#### ۴-۳-۲-۳. حرکت براساس رضای الهی

در آیه ابتدایی سوره ممتحنه خداوند با عبارت شرطی «إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي» (ممتحنه: ۱) یکی از راه‌های برون‌رفت از گرایش به سمت طاغوت را بیان می‌دارد. علامه طباطبایی این جمله شرطیه را متعلق به «لَا تَتَّخِذُوا» می‌داند که جزای شرط آن «لَا تَتَّخِذُوا» بی‌دیگر است که حذف شده است؛ و شرط در آیه را از باب اشتراط حکم به امری محقق، که هم نهی را تأکید می‌کند و هم ملازمه میان شرط و مشروط را اعلام می‌دارد، دانسته است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۹: ۲۲۷)؛ پس آیه درصدد بیان این مطلب است که اگر واقعاً مهاجرت شما مؤمنان از مکه به مدینه جهاد در راه خدا، و به‌منظور خشنودی اوست، ممکن نیست دشمنان خدا را دوست بگیرید. کسی که کارش برای رضای خدا باشد محال است گرایش به طاغوت داشته باشد. نتیجه اینکه حرکت براساس رضای خدا به معنای واقعی کلمه و مدنظر داشتن رضایت الهی در امور با گرایش به طاغوت جمع‌شدنی نیست.

#### ۴-۳-۲-۴. هجرت از سرزمین طاغوت

در فرهنگ قرآن کریم علاوه بر نهی از گرایش به طاغوت، ایستادگی، مقابله و مبارزه در برابر آن از وظایف مؤمنان دانسته شده است. ایستادگی در برابر طاغوت شیوه‌های گوناگونی دارد. تذکر به زبان لَین (طه: ۴۳ و ۴۴)، آگاه‌کردن مردم از تبعات حکومت طاغوت و تشویق به قیام علیه آن (اعراف: ۱۲۸) و از بین بردن نظام جبار به وسیله جهاد مسلحانه از جمله آن‌هاست (قرائتی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۱۳). در وضعیتی که مؤمنان در سرزمین طاغوت زندگی می‌کنند و امکان مبارزه و پیروزی به صورت فردی و حتی جمعی برای آنان وجود ندارد و ماندن در آن سرزمین آسیب‌های جسمی، روحی و معنوی، مانند تأثیرپذیری از محیط فاسد و گرایش به سمت طاغوت، برای آن‌ها داشته باشد خداوند راهکار هجرت را قرار داده است (نساء: ۹۷).

#### ۴-۴. ترسیم جامعه مطلوب و آرمانی

یکی از مراحل عمده و اساسی در آسیب‌شناسی اجتماعی، توجه به جامعه مطلوب است. بعد از تبیین آسیب، عوامل و راه‌های برون‌رفت، هدایتگری به سمت جامعه مطلوب می‌تواند الهام‌بخش مؤمنان و انگیزه‌آفرین برای آنان باشد تا به‌سوی مقصد نهایی خود حرکت کنند. در شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی هدف‌گذاری و تعیین خط‌مشی کلی جامعه یک امر ضروری است. از نگاه قرآن مهندسی جامعه مطلوب علاوه بر اختیار و اراده مردم بر شعور و آگاهی آنان و خودسازی و پاک‌سازی درونی از رذایل نفسانی تکیه دارد (خاکیان، ۱۳۸۸: ۱۵ و ۱۶). در این خصوص، توصیف بخشی از جامعه مطلوب را خداوند در آیات سیاسی اجتماعی در ارتباط جامعه ایمانی با کفار بیان داشته است تا انسان در مسیر رشد و تعالی ارزش‌ها و باورهای دینی و تحقق حیات طیبه قرار گیرد. یکی از این خط‌مشی‌ها و هدف‌گذاری‌ها رسیدن جامعه اسلامی به استقلال و نفی سلطه کفار (نساء: ۱۴۱) بر پایه اصل تولی و تبری است. از حیث حاکمیتی و دشمن‌شناسی، خداوند نه تنها خواستار ایمان به ولایت الهی است، خواهان کفر به ولایت طاغوت است. یعنی همان‌طور که انسان ولایت تکوینی خدا را پذیرفته است، به اراده و اختیار خویش ولایت تشریحی خداوند را نیز بپذیرد و از آن پیروی کند و به اختیار و اراده خود نیز از ولایت طاغوت به هر شکلی براثت جوید (بقره: ۲۵۶).

توجه دادن قرآن به عاقبت و عقوبت اهل کفر به‌عنوان زمینه‌ساز اجتناب از کفر و پذیرش طاغوت (بقره: ۲۵۷) برای عبرت‌پذیری و بیان آثار و برکات اجتناب از کفر و پذیرش ولایت الهی، مانند: شایستگی دریافت بشارت الهی (زمر: ۱۷)، پیروی از بهترین عقاید و افکار (زمر: ۱۸)، عمل به مهم‌ترین ارکان آموزه‌های الهی (نحل: ۳۶)، رسیدن به مقام تقوای الهی و بهره‌مند شدن از آثار آن (زمر: ۱۶-۲۰)، مشمول هدایت خاص الهی شدن (نحل: ۳۶)، استواری و تمسک به آویزه محکم الهی (بقره: ۲۵۶)، نیل به ولایت خاص الهی و بهره‌مندی از آثار آن (بقره: ۲۵۶ و ۲۵۷) در همین خصوص است.

پس جامعه‌ای که با آگاهی و معرفت به ولایت الله و آثار و برکات آن با اختیار و اراده خود به اطاعت از خدا و رسولش می‌پردازد و آن را رستگاری بزرگ می‌داند و با علم به



عقوبت گرایش به اهل کفر نه تنها به آن گرایش پیدا نمی‌کند بلکه در برابر آزار دشمن از پا نمی‌افتد و از آن‌ها تبعیت نمی‌کند (احزاب: ۱ و ۴۸) تا با حفظ عزت خود به استقلال همه جانبه برسد، جامعه مطلوب ایمانی خواهد بود.

## ۵. نتیجه‌گیری

از الزامات اساسی دسترسی به جامعه آرمانی، تحقق عینی ولایت‌مداری در عرصه اجتماعی و دوری از ولایت طاغوت است. با توجه به مفهوم و مصداق طاغوت در قرآن، که هر معبود غیرخدایی امثال بت، شیطان، جن و پیشوایان ضلالت از بنی‌آدم، و هر متبوعی را که خدای تعالی راضی به پیروی از آن‌ها نیست، شامل می‌شود، می‌توان گرایش به طاغوت را گرایش به معبودهایی غیرالهی و پیشوایان گمراه و هم‌گرایش به هر آیین و مسیر انحرافی و نادرست که رضای الهی در آن وجود ندارد، تعریف کرد. از نگاه هستی‌شناسی قرآنی، طاغوت نقطه مقابل ولایت الله و اطاعت و بندگی او نقطه مقابل اطاعت و بندگی خداست و میان آن دو تضادی هست که قابلیت جمع ندارد و این اجتناب از گرایش به طاغوت را ضروری می‌کند. خداوند به منظور جلوگیری از این گرایش، منع را با تعابیر سنگینی که حکایت از تبعات و پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی آن است همراه کرده است؛ اما شوربختانه در طول تاریخ چنین گرایشی در بین مؤمنان وجود داشته است. با بررسی این موضوع در آیات قرآن، براساس نظریه بحران توماس اسپریگنز - که شامل مشاهده آسیب، ریشه‌یابی و شناسایی علل، ارائه راه‌های بروزرفت و ترسیم جامعه مطلوب است - چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در رهیافت قرآنی و با نگاه انسان‌شناسی، منع رجوع به طاغوت همه ابعاد آن را شامل می‌شود و عوامل اعتقادی - اخلاقی و سیاسی - اجتماعی گوناگونی در زمینه‌سازی آن نقش ایفا کرده‌اند که در میان این عوامل، جهل و غفلت نسبت به برخی شئون خاصه الهی در زیرشاخه اعتقادی - اخلاقی اولین و مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود و در بُعد سیاسی - اجتماعی بی‌بصیرتی در دشمن‌شناسی منشأ تحت تأثیر قرارگرفتن جواذب دنیایی و فریبنده کافران و تبلیغات سوء طاغوت علیه جبهه حق به‌شمار می‌آید. همچنین، توجه به جامعه آرمانی قرآن، یعنی حفظ عزت و استقلال همه جانبه برای جامعه ایمانی برای

نیل به حیات طیبه، به عنوان یکی از خط‌مشی‌ها و هدف‌گذاری‌های قرآن، می‌تواند از مهم‌ترین عوامل الهام‌بخش و انگیزه‌آفرین برای راهکارهای برون‌رفت در دو حوزه بینشی و عملی از این آسیب اجتماعی باشد.

### کتابنامه

#### قرآن کریم

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اسپرینگز، توماس (۱۳۷۷). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- امین، نصرت بیگم (بی‌تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌جا، بی‌نا.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: بی‌نا.
- پورفرد مسعود، محمد باقری و علیرضا نائیج (۱۳۹۷). «ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و عاقبت طاغوت از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه سیاست‌پژوهی جهان اسلام، س ۵، ش ۱۰، ص ۱۷۵-۱۹۶.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲). الکشف و البیان، لبنان: دار الاحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۸۷). الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حائری، محمود، سیداحمد میرخلیلی و محمد صحرایی (۱۳۹۸). «رجوع به طاغوت در منابع تفسیری و روایی و گستره آن»، فصلنامه کتاب قیام، س ۹، ش ۲۰، ص ۱۹۹-۲۰۱.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴). انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.
- حقیقت، سیدصادق و حجازی، سیدحامد (۱۳۸۹). «نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپرینگز در مطالعات سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۳، ش ۴۹، ص ۱۸۷-۱۹۵.
- خاکیان، سلیمان (۱۳۸۸). «قرآن و مهندسی اجتماعی»، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، ش ۳، ص ۷-۱۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم دارالشامیه.

آسیب‌شناسی اجتماعی گرایش به طاغوت از دیدگاه قرآن کریم - عباس شریفی (۹۳-۶۶) / ۹۱

رضی بهابادی، بی‌بی‌سادات، احدیان مریم (۱۳۹۷). «کشف محور موضوعی سوره حج با روش تحلیل محتوا»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، س ۱۲، ش ۱، ص ۱۳۷-۱۶۸.

زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.

سجادی، جعفر (۱۳۷۵). اصطلاحات علوم فلسفی و کلامی، تهران: امیرکبیر. سرلک، علی و زهرا عسکری (۱۴۰۰). «تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن در ارتباط با طاغوت و استلزامات تربیتی آن»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲۵، ش ۵، ص ۸۱۵-۸۲۸.

سیدباقری، سیدکاظم، بتول ملاشفیعی (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن براساس سوره بقره»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۸، ش ۳، ص ۱۲۳.

طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر، اردن: دار الکتب الثقافی. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان: دارالمعرفه. طیب، عبدالحسین (۱۴۱۲). أظیب البیان، تهران: بی‌نا.

عزتی، مرتضی (۱۳۷۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان: دار إحياء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، تحقیق: مهدی مخزومی، قم: دارالهجره. قاسمی حامد، مرتضی، میرحسینی، سیدمحمد، شیرانی، مجتبی (۱۳۹۷). «گستره معنایی رب در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۵۰، سال چهارم، ص ۶۴-۷۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- مخدومی، علی، کاویانی، محمد (۱۳۹۸). «تحلیل روان‌شناختی مترفین و عالمان فاسد به‌عنوان دو گروه مرجع در قرآن کریم»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ۵، ش ۲. مدرس، محمدتقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن، تهران: دار محبّی الحسین.
- مدنی، سعید، مقدسی، محمدعلی، کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۷). «بازنمایی آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده در سینمای دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی ایران»، فصلنامه رسانه، س ۲۹، ش ۱۱، ص ۸۳-۱۰۳.
- مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تبریز: نوبل.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- میبدی، احمدین محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدّه الابرار، تهران: امیرکبیر.
- میرسندسی، سیدمحسن، احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۹۳). «درآمدی بر مصادیق و شاخصه‌های گروه‌های مرجع در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات اسلامی، سال ۴۶، ش ۹۲.
- ناصح، علی احمد، زارعی، طیبه (۱۳۹۵). «بررسی آیات ارتداد در تفاسیر فریقین»، دوفصلنامه دانشگاه قم، سال دوم، ش ۱.